

68

برجیده هائی از " ترجمه روان فارسی قرآن "
(پیشگفتار + " معجزه ریاضی قرآن ")

ترجمه روان فارسی

قرآن

rouzaneha.org

قدرت الله بختیاری نژاد



Farsi Translation Of

Quran

rouzaneha.org

TAWHEED, INC.

A Non Profit Organization
P.O. BOX 935 Redondo Beach, CA 90277
www.tawheedglobal.com

This copy of Quran is provided free of charge.
By your contribution to Tawheed, others will benefit as well.

فهرست مطالب مقدمه:

در این قسمت شماره صفحه در پائین صفحات گذاشته شده است.

۱	آسان بودن قرآن
۲	قرآن کامل است
۴	مسلمان واقعی
۵	اهل سنت واقعی
۶	rouzaneha.org شیعه واقعی
۷	هدف دین
۸	عنوان بعضی از موضوعات مهم
۱۱	وظیفه دینداران
۱۲	راهنمایی خداوند
۱۲	راه بیدار سازی
۱۳	کلمات اساسی قرآن
۱۷	معنی بعضی از لغات

فهرست مطالب قسمت آخر:

در این قسمت شماره صفحه در بالای صفحات گذاشته شده است.

۶۰۶	توضیح بعضی از آیات
۶۱۶	معجزه ریاضی قرآن

برای فهرست سوره‌های قرآن به صفحه آخر مراجعه نمایید.

آسان بودن قرآن

نهم قرآن آسان و به زبان مردم بیسواد ۱۴ قرن پیش عربستان و برای هدایت کبیه افراد بشر فرستاده شده. همانطور که آیه ۱۸۵ بقره میفرماید: **((قرآن راهنمای بشر و دلایل روشنی از هدایت (نشان دهنده راه صحیح) است))**.
rouzaneha.org

خدائی که میخواهد بشر را راهنمایی کند در گفته خود رمز و رازی بکار نگیرد، بلکه به سادگی هرچه تعامل حرف خود را میزند و راه صحیح را به انسان نشان میدهد. قرآن در سوره قمر آیه (۱۷ و ۲۲ و ۳۲ و ۴۰) چهار بار میگوید: **((قرآن را آسان ساختیم))** و در آیه ۹۷ مریم میفرماید: **((قرآن را به زبان تو (زبان عربی) آسان کردیم، برای اینکه به افراد با تقوی مزده بدهی و دشمنان سرسخت و نجباز را به آن بتوسانی))**. و در آیه ۵۸ دخان میفرماید: **((قرآن را به زبان تو (زبان عربی) آسان کردیم تا متوجه شوند و تذکر پیدا کنند))**. و در آیه ۸۲ نساء و ۲۴ محمد میفرماید: **((آب در آیات قرآن تدبیر (فکر و اندیشه) نمیکنند!))** و در آیه ۲۹ ص میفرماید: **((کتاب مبارک (قرآن) را به تو نازل کردیم. تا در آیات آن فکر و اندیشه کنند و خردمندان متوجه شوند))**. فکر و اندیشه در باره سخنی، بدون فهم آن امکان ندارد. علامه طباطبائی در تفسیر آیه ۸۲ نساء مینویسد: **((از این آیه چند مطلب واضح شد: ۱- قرآن کتابی است که فهم‌های عادی میتوانند آن را بفهمند و به مطالب آن برسند))**. شیخ طوسی مفسر بزرگ شیعه و صاحب استبصار و تهذیب (دو کتاب از چهار کتاب معتبر شیعه) در تفسیر تبیان و شیخ طبرسی در تفسیر مجمع‌البیان که به دائرةالمعارف شیعه معروف است و ابوالفتح رازی در تفسیر خود و همچنین تفسیر

گزر، در بیان آیه ۸۲ نساء مینویسند: ((این آیه دلالت میکند بر فساد سخن و عقیده کسی که خیال میکند، معنی قرآن جز با تفسیر پیغمبر فهمیده نمیشود... چون خداوند تعالی تشویق به تدبر در قرآن کرده تا مردم حقایق را بشناسند)). ولی روحانیونی که با قرآن سر و کاری نداشتند، برای فریب مردم و رهائی و نجات از پاسخ گویی به سؤال هائی که مردم در باره قرآن از آنها میکردند، میگفتند: قرآن را نمیشود فهمید و قرآن بطس دارد و بطن آنهم بطن دارد تا هفت پا هفتاد بطن، و هیچکس هم نبوده که به آنها بگوید: **خداوند در کجای قرآن فرموده که قرآن بطن داود؟ بطن یعنی شکم و باطن (خلاف ظاهر).** خداوند آنچه را که قابل فهم بشر نبوده از قبیل صفات خود به آنچه مردم میفهمند تشبیه کرده تا مردم بفهمند، ولی تأویل یعنی حقیقت آن را که بصورت قابل فهم بشر تشبیه شده فقط خدا میداند و پس، مثل شنیدن و دیدن خدا، آیه ۷ آن عمران و خطبه ۹۱ نهج نبلاغه صبحی صالح و عینه و ۹۰ فیض الاسلام را هم ببینید، تا بدانید که **راسخین در علم اقرار میکنند که تأویل مشابهات را نمیدانند.**

rouzaneha.org

قرآن کامل است

خداوند در آیه ۳: ۵ سوره مائده میفرماید: ((... امروز دین شما را کامل کردم ...))
 و در آیه ۲۸: ۶ سوره انعام میفرماید: ((در باره هیچ چیز در قرآن فروگذار نکردیم ...)). البته درباره ساختن یک دنیای پاک که هدف دین است، و در آیه ۸۹: ۱۶ سوره نحل میفرماید: ((... قرآن را که بیان کننده هر چیز و راهنمایی و رحمت و مزده بری مسلمانان است بر تو نازل کردیم)). پیغمبر ص در حدیث ۱۱ باب ۳۲ صفحه ۲۶۳ جلد دوم بحار لانوار میفرماید: ((خداوند متعال برای شما حدودی تعیین کرده

ز آن تجاوز نکنید، و واجباتی را برای شما واجب کرده آنها را ضایع نکنید، و سنت‌هایی (آداب و رسومی) برای شما قرار داده از آن پیروی کنید، و چیزهایی را بر شما حرم کرده حرمت آن را از بین نبرید، و در باره چیزهایی بخاطر رحمت خودش بدون اینکه آنها را فراموش کرده باشد گذشت کرده، در باره آنها خودتان را برحمت نیندازید)). خداوند در آیه ۵: ۱۰۶ سوره مائده در این باره میفرماید: ((ای افراد با ایمان در باره چیزهایی سنوالم نکنید که اگر برای شما روشن شود شما را ناراحت میکند، اگر موقع نزول قرآن در باره آنها سنوالم کنید برای شما روشن میشود. خدا از آنها گذشت کرده. خدا آمرزنده و بردبار است)). البته این چیزهایی که از سنوالم درباره آنها نهی شده مربوط بوظائف دینی است، نه چیز دیگر.

علی علیه السلام امام اوان شیعیان و خلیفه چهارم اهل سنت و صحابی بزرگ پیغمبر که در خانه پیغمبر بزرگ شده، در خطبه ۱۸ نهج البلاغه در باره مذمت اختلاف نظر میان فتوی دهندگان میفرماید: ((... خدای آنها یکی است و پیغمبرشان یکی است، و کتابشان یکی است، آیا خداوند به آنها دستور داده که اختلاف ایجاد کنند و آنها هم از دستور او اطاعت کرده‌اند؟ یا آنها را از اختلاف نهی کرده (۳: ۱۰۵) و آنها از دستور او سرپیچی کرده‌اند؟ یا خداوند سبحان دین ناقصی فرستاده و از آنها کمک خواسته آن را کامل کند؟ یا آنها شریک خدا هستند، و حق دارند هرچه خواستند بگویند، و خدا هم وظیفه دارد هرچه گفتند قبول کند؟ یا خداوند سبحان دین را کامل فرستاده و پیغمبری در تبلیغ و رساندن آن کوتاهی کرده؟ در صورتیکه خداوند سبحان میفرماید: در باره هیچ چیز در قرآن فروگذاری نکرده‌ایم و بیان هر چیز در قرآن هست... و تاریکی‌های اختلاف و جهل، جز بوسیله قرآن برطرف نمیشود)). و در خطبه ۱۷۵ یا ۱۷۶ نهج البلاغه میفرماید: ((بدانید که این قرآن نصیحت کننده‌ای است که دغلكاری

در کارش نیست، و راهنمایی است که گمراه نمیکنند، و گوینده‌ای است که دروغ نمیگوید، و هیچکس با قرآن همنشین نشد مگر اینکه وقتی از کنار آن برخاست بر هدایتش اضافه شد، و از گوری و جهالتش کم شد، و بدانید که هیچکس بعد از قرآن (در امور دینی) کمبودی ندارد و قبل از قرآن بی‌نیاز نیست... بنابر این از کسانی باشید که تخم قرآن میکارند و پیرو قرآن هستند... و عقائد خود را در مقابل قرآن به غلط بودن متهم کنید...))، حتی در باره احکامی که در قرآن آمده است. خداوند در آیه ۴:۳۱ سوره نساء میفرماید: ((اگر از بزرگ‌های آنچه که از آنها نهی شده‌اید (گناهان بزرگ) خودداری کنید، ما گناهان دیگر شما را می‌بخشیم و شما را وارد جای ارزشمندی (یعنی وارد بهشت) میکنیم)). چه رسد به آنچه در قرآن نیامده است.

rouzaneha.org

مسلمان واقعی قرآنی است

مسلمان نسیم خداوند است، نه کس دیگر، چون قرآن در آیه ۱۱:۲ سوره هود میفرماید: ((... فقط بندگی خدا را بکنید...)) یعنی فقط از دستورهای و نظرهای خداوند که در قرآن است پیروی کنید. و در آیه ۷:۳ اعراف میفرماید: ((از آنچه از خداوندتان بشما نازل شده پیروی کنید و از اولیائی غیر از آن پیروی نکنید...)) و در آیه ۴۴ و ۴۵ و ۴۹: ۵ سوره مائده میفرماید: ((کسانی که مطابق کتاب الهی (وحی) آنچه خدا نازل کرده) حکم نکنند کافرنند... فاسقند... و مطابق آنچه خدا نازل کرده بین آنها حکم کن و از دلخواه و میل آنها پیروی نکن. و مواظب باش که تو را از بعضی از چیزهایی که خدا بتو نازل کرده منحرف نکنند)).

مسلمان تسلیم حکم و نظر خدا است و از دستورهای او دقیقاً پیروی میکند.

rouzaneha.org اهل سنت واقعی قرآنی هستند

اهل سنت واقعی قرآنی هستند، یعنی اعتقاداتشان مطابق قرآن است و از احکام و نظرهای قرآن پیروی میکنند. چون میدانند پیغمبر ص مسلمان و تسلیم حکم و نظر خداوند بود و کازی برخلاف قرآن نمیکرد و حرفی برخلاف آن نمیزد، چون مطابق آیه ۹۱ و ۹۲: ۲۷ سوره نمل میفرماید: ((... بمن دستور داده شد که تسلیم حکم و نظر خدا (مسلمان) باشم و قرآن بخوانم...)) و خداوند در آیه ۱۶۲ و ۱۶۳: ۶ سوره انعام به پیغمبر میفرماید: ((بگو: نماز من، عبادت من، زندگی من، مرگ من برای خداست که صاحب اختیار همه مردم جهان است، شریکی ندارد و بمن دستور این کار داده شده است و من بیشتر از همه مسلمان (یعنی تسلیم حکم و نظر خداوند) هستم)). لذا میدانند که پیغمبر ص تسلیم حکم خدا بود و کاری برخلاف حکم و نظر او نمیکرد و حرفی برخلاف آن نمیزد، و میدانند که حکم و نظر خداوند در قرآن است. خداوند در آیه ۵۰: ۶ سوره انعام به پیغمبر ص میفرماید: ((بگو بشما نمیگویم که گنج‌های خدا در اختیار من (در پیش من) است، و غیب نمیدانم، و بشما نمیگویم که من فرشته‌ام، من فقط از آنچه بمن وحی میشود پیروی میکنم...)). پیغمبر راست میگفت و از قرآن که به او وحی شده بود پیروی میکرد و کازی برخلاف آن نمیکرد و حرفی برخلاف آن نمیزد. آیه ۱۰۳: ۷ سوره اعراف و ۱۵: ۱۰ سوره یونس و ۹: ۴۶ سوره احقاف را هم ببینید. خداوند در آیه ۱۰۶: ۶ سوره انعام میفرماید: ((از آنچه خداوندت به تو وحی کرده پیروی کن، معبودی غیر از او وجود ندارد، و از مشرکین روگردان باش)). آیه ۹: ۱۰۹ سوره یونس و ۲: ۲۲ سوره احزاب را هم

ببینید. پیغمبر صی تسلیم حکم خدا بود و فقط از قرآن پیروی میکرد. مسلمانها هم باید مثل پیغمبر از قرآن پیروی کنند.

شیعه واقعی قرآنی است

شیعه واقعی قرآنی است. چون علی (ع)، مسلمان و تسبیح حکم خدا بود و کسی هم که از او پیروی کند مثل او مسلمان و تسبیح حکم و نظر خداست. دیدیم که علی علیه‌السلام قرآن را کامل و کافی میدانند و در خطبه ۱۷۵ یا ۱۷۶ نهج‌البلاغه میفرمایند: ((از کلام خدا (قرآن) استفاده کنید. از موعظه‌های خدا موعظه شوید و نصیحت خدا را قبول کنید. چون خدا با آشکار کردن احکامش در عذر شما بسته و حجت را از شما گرفته، کارهائی را که دوست دزد و ندارد برای شما بیان کرده تا از آنچه دوست دارد پیروی کنید و از آنچه دوست ندارد خودداری کنید... ای بندگان خدا بدانید که مومن امسال همان چیزی را حلال میدانند که سال اول حلال میدانسته و امسال همان چیزی را حرام میدانند که سال اول حرام میدانسته، و آنچه مردم (بنام دین) دوست کرده‌اند، ذره‌ای از چیزهائی را که خدا بر شما حرام کرده حلال نمیکنند، ولی حلال چیزی است که خدا حلال کرده و حرام چیزی است که خدا حرام کرده است...)).

rouzaneha.org

شیعه واقعی از راهنمایی‌های امام خود استفاده میکند و از قرآن پیروی میکند و دستورهای خداوند را که در قرآن است بکار می‌بندد. لذا قرآن را برای فهمیدن میخواند و در آن تدبر و اندیشه میکند، بخصوص که خداوند در آیه ۷۲:۲۰ سوره مزمل میفرماید: ((... تا آنجا که میتوانید قرآن بخوانید...)). و در آیه ۴:۸۲ سوره نساء و ۴۷:۲۴ سوره محمد میفرماید: ((آیا در آیات قرآن تدبر و اندیشه نمیکنند؟!)).

هدف دین

خداوند همه پیغمبران را برای تأمین سعادت بشر و ساختن یک دنیای پاک فرستاده. دنیای پاکى که در آن اثرى از ظلم و فساد و فقر و جهل و خورد شدن شخصیت انسان ها و بت سازی از افراد وجود نداشته باشد. برای ساختن دنیائی که مردم آن عادل و درستگار و نیکوکار و محقق و با شخصیت متعادل باشند و از افراد بت و فوق قانون نسازند. در صورتیکه طبیعت بشر طبیعت حیوانی و برخلاف آن است و همیشه جنگی دائمی بین قدرتمندان جهان و اطرافیان و جیره خواران و فریب خوردگان آنها با پیغمبران و یکتا پرستان وجود داشته و دارد. چون انسان طبیعتاً میخواهد هر گزاری که خواست بکند و هیچکس جرئت بازخواست از او را نداشته باشد و هر دستوری که داد، دیگران بدون چون و چرا انجام دهند و هر چه خواست برای او حاضر کنند.

علامه طباطبائی در صفحه ۷۴ و ۷۵ کتاب 'اسلام و احتیاجات واقعی هر عصر' مینویسد: 'البته آقایان (یعنی حکومت ها) با کمال نیریزی نقاط ضعف کار خود را میدیدند. و بدست یکمده مزدور ماده پرست که مورد ارادت عامه مردم بودند (یعنی روحانی نماها) فکر واقع بینی و حقیقت شناسی را از مغزهایشان بیرون کشیده و با تزریق و تلقین یک دسته 'فکار سست و واهی و بی اثر سرگرمشان نمودند.... و اگر احیاناً کسی (یا کسانی) سر بلند کرده و با ندای وجدان نامی از حقایق قرآن بزبان می آورد پاسخش به دم شمشیر و چوبه دار و شکنجه هائی که در کنج زندانهای تازیک در انتظار آنان بسر میبرد موکول میشد. اینها حقایقی است که هیچ مورخ متصفی نمیتواند پرده به رویش بکشد.'

(توجه: در توضیحات زیر شماره آیه در سمت راست و شماره سوره در سمت چپ آمده بدین

ترتیب که "۵۷:۲۵" یعنی آیه ۲۵ سوره ۵۷)

در باره **عدالت و نابودی ظلم** آیه ۵۷:۲۵ سوره حدید و آیه ۵۹ و ۴:۱۳۵ سوره نساء و

آیه ۵:۸ سوره مائده و آیه ۶:۱۵۲ سوره انعام و آیه ۱۶:۹۰ سوره نحل و آیه ۴۲:۱۵

سوره شوری را ببینید.

در باره **نیکوکاری و نابودی فقر** آیه ۲:۲۷۳ سوره بقره و آیه ۹:۶۰ سوره توبه و

۵۱:۱۹ سوره ذاریات و آیه ۲۴ و ۷۰:۲۵ سوره معارج را ببینید.

توجه داشته باشید که هر جا کلمه **صلوة (نماز)** در قرآن آمده، **حکم زکات** با انفاق هم

در کنار آن آمده است. مگر در جایی که بخواهد شرحی در باره نماز با زکات

rouzaneha.org

بدهد. برای نمونه آیه ۳ و ۴۲ سوره بقره را ببینید.

در باره **تحقیق و نابودی جهل** آیه ۶:۱۱۶ سوره انعام و ۱۰:۳۶ سوره یونس و

۱۷:۳۶ سوره اسراء و ۳۹:۱۸ سوره زمر را ببینید.

در باره **نابودی دیگتاتور و طاغوت و بت‌سازی و بندگی خدا و بندگی نکردن غیر خدا**،

آیات یگنائی معبود (کسی که باید تسان بنویس چون و چرا از نظر و دستورهایش

اطاعت کند). آیه ۶۴ و ۷۹ و ۸۰: ۳ سوره آل‌عمران و ۹:۳۱ سوره توبه

و ۱۶:۳۶ سوره نحل و ۱۷ و ۳۹:۴۵ سوره زمر را ببینید.

در باره **اصلاح یا نابودی فساد** به آیه ۲:۲۰۵ سوره بقره و ۵:۶۴ سوره مائده و ۷:۵۶

سوره اعراف و ۱۱:۸۸ سوره هود و آیه ۲۳:۵۱ سوره مؤمنون نگاه کنید.

در باره **طبیعت انسان و شناختن آن** به آیه ۴:۲۸ سوره نساء و ۱۱:۹ سوره هود و

۱۲:۵۳ سوره بوسف و ۱۴:۳۴ سوره ابراهیم و ۱۷:۱۱ سوره اسراء و ۱۸:۵۴ سوره کهف و ۳۳:۷۲ سوره احزاب و ۴۱:۵۱ سوره فصلت و ۵۰:۱۶ سوره ق و ۷۰:۱۹ سوره معارج و ۹۶:۶ سوره عنق نگاه کنید. تا ببینید که انسان در قرآن حتی یکبار با یک صفت خوب نیامده. چون طبیعت حیوانی انسان از صفات او است. دین و تربیت دینی برای مهار کردن این صفات حیوانی است.

در باره **جنگ دائمی** با دین واقعی به آیه ۲:۲۱۷ سوره بقره ((همیشه با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند)) نگاه کنید. **این جنگ دائمی بصورت تحقیر، استهزاء، ایجاد شک، تهمت، تهدید، آزار، قتل، جنگ، و بالاخره تحریف همیشه وجود داشته و دارد.**

در مورد تحقیر آیه ۲۵:۴۱ سوره فرقان.

در مورد **استهزاء و مسخره** آیه ۱۳:۳۲ سوره رعد و ۱۵:۱۱ سوره حجر و ۳۶:۳۰ سوره پس را ببینید. rouzaneha.org

در مورد **ایجاد شک** به آیه ۹۰ تا ۱۷:۹۳ سوره اسراء و ۲۵:۷ سوره فرقان و ۳۶:۷۸ سوره پس توجه کنید.

در مورد **تهمت** به آیه ۶:۲۵ انعام، ۳۴:۸ سباء، ۲۴ و ۲۳:۲۵ مؤمنون، ۲۵ و ۲۶:۴۹ شعراء، و ۲۵:۵ انبیاء نگاه کنید.

در مورد **تهدید** به آیه ۸۸ و ۷:۱۲۴ سوره اعراف و ۱۴:۱۳ سوره ابراهیم و ۲۹ و ۲۶:۱۱۶ سوره شعراء نگاه کنید.

در مورد **آزار** به آیه ۲:۱۸۴ سوره آل عمران و ۶:۳۴ سوره انعام و ۱۴:۱۲ سوره

ابراهیم نگاه کنید.

در مورد قتل به آیه ۳:۲۱ سوره آن عمرآن و ۸:۳۰ سوره انفال نگاه کنید.

در مورد جنگ به آیه ۱۹۰ و ۲:۲۱۷ سوره بقره توجه کنید.

در مورد تحریف یعنی تغییر دادن معنی کلمه با آیات کتاب الهی به آیه ۲:۷۵

سوره بقره نگاه کنید.

در مخالفت با دین ۶ دسته شرکت دارند که در جنگ دائمی با دینداران واقعی

هستند.

۱- حکومت‌ها: قرآن در مورد حکومت‌های جابر و دیکتاتور فرعون را نمونه می آورد.

۲- درباریان: آیه ۱۰۶ و ۷:۱۲۷ سوره اعراف و ۱۱:۲۷ سوره هود را نگاه کنید.

۳- روحانی‌نماها: آیه ۹:۳۴ سوره توبه را نگاه کنید. rouzaneha.org

۴- ثروتمندان: آیه ۱۷:۱۶ سوره اسراء و ۲۴:۳۴ سوره سباء را نگاه کنید.

۵- جیره خواران: آیه ۱۰:۹۰ سوره یونس و ۲۸:۳۹ سوره قصص را نگاه کنید.

۶- عوام قریب خورده: آیه ۷:۷۰ سوره اعراف و ۱۱:۶۲ سوره هود را نگاه کنید.

توجه داشته باشید که در طول تاریخ بشر هیچگاه حکومت واقعی دینی وجود نداشته.

چون اصلاً مردم دین واقعی را نمی شناخته‌اند. چون قدرتمندان اجازه اینکار

را نمی داده‌اند.

وظیفه دینداران

دینداران واقعی باید کتاب دینی خود و دیگران را هر روزه تا آنجائی که میتوانند بخوانند و در معنای کلمات و سخنان و دستورها و نظرهای خداوند فکر و اندیشه کنند تا ببینند همه پیغمبران برای **ساختن یک دنیای پاک** فرستاده شده‌اند. لذا در مقابل مخالفین قدرتمند که همیشه سعی میکنند مردم را از دین واقعی منحرف کنند **متحداً و عاقلانه با مال و جانشان کوشش کنند و سعی کنند تمام دینداران و اصلاح طلبان واقعی جهان را متحد کنند** تا در راه ساختن یک دنیای پاک که در آن اثری از ظلم و فساد و فقر و جهل و خورد شدن شخصیت انسان‌ها نباشد کوشش کنند و در این راه باید مردم را با **حکمت و بصیرت** به ارزش اینکار متوجه کنند و از اختلافات کوچک که طبیعی است، گذشت کنند و بدانند **هیچ دو نفری** در جهان وجود ندارند که در تمام کارها مثل هم فکر کنند و هرچه این می‌پسندد، آن یکی هم همان را بپسندد.

rouzaneha.org

چون **هیچ دو نفری** در جهان وجود ندارند که هرچه این دیده و شنیده و خوانده و بوئیده و چشیده و لمس و حس کرده، دیگری هم همان را بدون کم و زیاد دیده و شنیده و خوانده و بوئیده و چشیده و لمس و حس کرده باشد. پس وقتی معلومات انسان‌ها فرق داشته باشد نتیجه‌گیری آنها هم فرق میکند، چه رسد به اینکه همه افراد بشر مثل هم فکر کنند. لذا باید همه در **ساختن یک دنیای پاک متحد شوند، نه در کلیه امور.**

راهنمائی خداوند

خداوند در آیه ۲۹:۴۵ سوره عنکبوت و آیه ۷۲:۲۰ سوره مزمل مردم را به تلاوت و خواندن قرآن تشویق میکند و در آیه ۴:۸۲ سوره نساء و ۳۸:۲۹ سوره ص و ۴۷:۲۴ سوره محمد مردم را به فکر کردن و اندیشیدن تشویق میکند.

در مورد هدف خداوند از فرستادن پیغمبران آیه ۵۷:۲۵ سوره حدید را ببینید و در مورد یکی بودن وظیفه اصلی پیغمبران آیه ۴۲:۱۳ سوره شوری و ۵۷:۲۵ سوره حدید را ببینید.

در مورد همکاری دینداران آیه ۲:۱۳۶ سوره بقره و آیه ۶۴ و ۳:۸۵ سوره آل عمران و ۴۴ و ۴۶ و ۵:۴۸ سوره مائده و آیه ۲۹:۴۶ سوره عنکبوت و ۴۲:۱۳ سوره شوری را ببینید.
rouzaneha.org

در مورد دعوت دیگران با حکمت و بعیرت آیه ۱۲:۱۰۸ سوره یوسف و آیه ۱۶:۱۲۵ سوره نحل و ۴۱:۲۴ سوره فصلت را ببینید.

در مورد جهاد با جان و مال آیه ۴۹:۱۵ سوره حجرات و ۱۰ تا ۶۱:۱۳ سوره صف، در مورد جزئیات و اختلافات جزئی آیه ۵:۴۸ سوره مائده و ۱۱:۱۱۸ هود را ببینید.

راه بیدارسازی

در راه بیدارسازی افراد بشر برای رسیدن به این اتحاد و هدف باید از کتبه و وسائل موجود مثل کتاب، روزنامه، مجله، بروشور، نقاشی، عکس، شعر، تأثیر، موسیقی، فتوکپی، چاپ، فیلم، ویدئو، آدیو، رادیو، تلویزیون، اینترنت استفاده کرد و مردم را

بخواندن کتاب اصلی دینی خود و دیگران تشویق نمود.

کلمات اساسی قرآن که دانستن آنها برای فهم درست قرآن لازم است

عبد: یعنی بنده، غلام، برده که در مقابل ارباب و مالک خود از خود اختیاری ندارد و خود را در مقابل او کوچک می بیند و از دستورهایش بدون چون و چرا اطاعت میکند. اگر متوجه این احساس حقارت و اطاعت بدون چون و چرا شویم، می بینیم که بسیاری از افراد بشر بنده افرادی مثل خود هستند. در صورتیکه دین می خواهد انسان را از قید این بندگی و بردگی و احساس حقارت آزاد کند.

خداوند در آیه ۷۰: ۱۷ سوره اسراء میفرماید: **((مسلمًا و تحقیقًا ما فرزدان آدم اتمام الهاد بشر) را تکریم کردیم))**. ولی انسان این بزرگی و کرامت و عظمتی که خداوند به او داده در مقابل این و آن از دست میدهد و بنده آنها میشود و بفون خودش سو میسپارد. در صورتیکه همه پیغمبران میگفتند **فقط بنده خدا باشید**. خدائی که احتیاجی به بنده ندارد.

rouzaneha.org

عبادت: عبادت یعنی بندگی کردن، یعنی در مقابل کسی یا چیزی یا سازمانی احساس و ابزار حقارت کردن، و از دستور او یا آن بدون چون و چرا اطاعت کردن. اگر معنی درست عبادت را درک کنیم متوجه میشویم که اکثریت قریب به اتفاق مردم بجای بندگی خداوند **بندگی افراد یا سازمانهایی** را میکنند و اطلاعی ندارند که این اطاعت بی قید و شرطی که از آنها میکنند، عبادت یعنی بندگی آنان است. در صورتیکه تمام پیغمبران میگفتند: **((فقط بندگی خدا را بکنید))**. آیه ۵۹ و ۶۵ و

۷۳ و ۷: ۸۵ سوره اعراف را ببینید.

الله: انه یعنی معبود، یعنی کسی با چیزی که لایق آن باشد که تسنن بنده او باشد و در مقابل او یا آن احساس یا ابراز کوچکی کند و از دستورش بدون چون و چرا اطاعت کند. چنین کسی فقط خداوند است و هیچکس حتی پیغمبران سزاوار آن نیستند چه رسد به دیگران.

آیه ۶۴ و ۷۹ و ۳:۸۰ سوره آل عمران و آیه ۹:۴۱ سوره توبه و ۲۱:۲۹ سوره انبیاء را ببینید که میفرماید: ((هر کدام از آنها (پیغمبران) که بگوید: غیر از خدا من هم معبود هستم، جزایش جهنم است. ما افراد ظالم را به این شکل مجازات می‌کنیم)). ولی باب و بها با استفاده از بی اطلاعی مردم چنین حرفی زده‌اند و مردم بی اطلاع از دین هم آن را پذیرفته‌اند. در صورتیکه شعار اسلام ((لا اله الا الله)) است. یعنی معبودی غیر از خدا وجود ندارد.

رب: رب یعنی مانک. آقا و صاحب اختیار، یعنی کسی یا سازمانی که اختیار کسی یا کسانی را داشته باشد و عید یعنی بنده، در مقابل او از خود اختیاری نداشته باشد و از دستورش بدون چون و چرا اطاعت کند.

رب بمعنی پروردگار و مربی (پرورش دهنده و تربیت کننده) نیست. علت اینکه مترجمین رب را پروردگار و مربی ترجمه می‌کردند این بود که تمام حکومت‌ها و پادشاهان و خان‌ها و پرنس‌ها خود را مربی و پرورش دهنده مردم نمی‌خواندند، بلکه خود را ارباب و مانک و صاحب اختیار و آقا و سرور مردم می‌خواندند و مردم هم آن را قبول کرده بودند. اگر کسی می‌خواست رب را مانک و ارباب و صاحب اختیار و آقا و سرور ترجمه کند، با جان و آسایش خود بازی کرده بود. چون مردم می‌فهمانند

که قدرها و قدرتمندان مائک و صاحب اختیار شما بیستند و از آنها نباید اطاعت بدون چون و چرا کنید و هیچ قدرتمندی نمیخواست مردم چنین روحیه ای پیدا کنند. چون اختیارات آنها بسیار محدود میشد. هر قدرتمند و هر ثروتمندی میخواهد **هرکاری که حواست بکند و هر دستوری که داد دقیقاً مطابق میل و دستورش اجرا شود**. روش این فلان این است که مردم را کوچک و تحقیر کنند. همانطور که قرآن در آیه ۴۳:۵۴ سوره زخرف در باره فرعون میفرماید: (فرعون قومش (مردمش) را تحقیر کرد و کوچک ساخت در نتیجه آنها از او اطاعت کردند). فرعون و فرعون صفنان نمیگفتند و نمیگویند که ما مری و تربیت کننده شما هستیم. بلکه میگفتند و میگویند ما صاحب اختیار و فرمانروا و فرمانده شما هستیم. و هرچه به شما گفتیم باید بدون چون و چرا انجام دهید. فرعون مطابق آیه ۷۹:۲۴ سوره نازعات فریاد زد که ((من صاحب اختیار و الامقام شما هستم)). هنوز هم قدرتمندان جهان همین حرف را میزنند و دیگران را کوچک میکنند. دسته دیگری بیز ارباب مردم شده اند. این دسته روحانی نماهائی هستند که دین را وسیله قدرت طلبی خود ساخته اند و با بزرگسازای خود توسط جیره خوارانشان مردم را به بندگی خود کشیده اند. همانطور که آیه ۹:۳۸ سوره نوبه میفرماید: ((دانشمندان دینی و زاهدان تبارک دنیا و پیغمبرشان مسیح این مریم را ارباب (آقا و صاحب اختیار) خود گرفتند)). اینکار مطابق این آیه شرک و خلاف توحید است. در صورتیکه آیه ۳:۶۴ آل عمران میفرماید: ((بگو: ای هن کتاب بسوی کلمه ای بیائید که بین ما و شما مساوی است. که فقط خدا را بندگی کنیم و چیزی را شریک او نسازیم و بعضی از ما بعضی را غیر از خدا ارباب

خود بگیرند. آیه ۷۹ و ۸۰ همین سوره را هم ببینید. برای دانستن معنی رب به کتابهای لغت نگاه کنید. رب از ر ب ب است نه از ر ب و. از نظر قرآن به آیه ۹:۱۲۹ سوره نوبه، ۴۲ و ۱۲:۵۰ سوره یوسف و ۲۷:۹۱ سوره نمل و ۳۷:۵ سوره صافات و ۵۳:۴۹ سوره نجم و ۱۰۶:۳ سوره قریش مراجعه کنید تا ببینید صحبت از تربیت و پرورش در کار نیست.

rouzaneha.org

فروق رب و معبود در این است که بنده بحکم اجبار از ارباب خود بدون چون و چرا اطاعت میکند. در صورتیکه انسان از معبود خود با جان و دل اطاعت میکند.

توحید: توحید یعنی یکی سازی، واحد سازی. در دین یعنی تمام اله‌ها یعنی معبودها و تمام رب‌ها را به یک معبود تبدیل کردن. و این همانطور که در آیه ۵ سوره ص میگفتند چیز عجیب و نشدنی و امکان ناپذیر است. همانطور که امروزه هم در نظر بیشتر مردم امکان ندارد که روزی عملی شود. چون بنا این روش تربیت شده‌اند. اگر به معنی واقعی توحید پی ببریم، متوجه میشویم که صاحب اختیار و مالک و فرمانده و فرما ترو! و قانونگذار فقط خداوند خالق جهان است، و در امور دینی **هیچکس جز خداوند حق قانونگذاری ندارد.** چون آیه ۲۶ سوره کهف میفرماید: **((خداوند هیچکس را در قانونگذاری خودش شریک نمیکند)).** هیچکس حق ندارد به نام دین قانونگذاری کند. مگر اینکه در کتاب الهی وجود داشته باشد و تمام قوانین باید در ره اجرای حکم خدا و ساختن یک دنیای پاک باشد. دنیایی که در آن از ظلم و فساد و فقر و جهل و بت‌سازی و بت‌پرستی اثری نباشد و **انسانهای فوق قانون** در آن بوجود نیابند و **انسانها فقط در مقابل خداوند احساس کوچکی کنند و**

بس و از هیچ دستوری در صورتیکه بر خلاف دستور خداوند باشد اطاعت نکنند.

معنی بعضی از لغات

الله: خدا، نه اسم خاص است و اسم خاص قابل ترجمه نیست، مثل تهران و کوه البرز و سعدی ولی در زبان‌های مختلف اسم‌های مختلف برای آفریننده جهان گذاشته‌اند، ما فارس‌ها به آن خدا یا خداوند می‌گوییم که در اصل معنی رب است، نگلیس‌ها به آن God و فرانسوی‌ها به آن Diaux می‌گویند. الله (خداوند) در کلیه زبان **خالق جهان و تمام موجودات میباشد نه خود جهان** ولی در آئین هندو و عرفان هندی همه چیز برهما است، درویش و صوفیان که عملاً پیرو آئین هندو و بودا هستند، خدا را خود عالم هستی و خود را خدا می‌خوانند، اما اگر خدا خود عالم هستی هم باشد، آیا یک ذره کوچک بنام آدم میتواند بگوید من خدا یعنی میلیاردها کیهکشان عالم هستی هستیم؟

rouzaneha.org

عالمین: عالمین یعنی انسانها، آدم‌ها، کنیه 'فرد بشر'. عالمین بمعنی جهان‌ها نیست که به اشتباه می‌گویند یعنی جهان‌ها، مثل جهان دنیا و جهان آخرت. جهان جوانی و جهان پیری و امثال آن. برای روشن شدن این موضوع آیات ۴۷ و ۱۲۲:۲ بقره، ۳۳ و ۴۲ و ۳:۹۶ آل عمران، ۲۰ و ۵:۱۱۵ مائده، ۶:۹۰ انعام، ۷:۸۰ اعراف، ۱۲:۱۰۴ یوسف، ۹۱ و ۲۱:۱۰۷ انبیاء و آیه اول فرقان سوره ۲۵ قرآن را ببینید.

حمد: حمد یعنی ستایش، منح، ثنا، تمجید، بزرگداشتن کسی یا چیزی. **کلمه حمد فقط در باره خداوند بکار رفته و بس.** یعنی در باره هیچ پیغمبری هم کلمه حمد بکار نرفته است. میدانیم که قرآن پس از بسم‌الله الرحمن الرحیم با کلمه حمد شروع شده

و میفرماید: الحمد لله رب العالمین ((ستایش و ثنا و مدح اختصاص به خدا (الله) دارد که صاحب اختیار و آقا و مالک انسان‌ها است)). مسلمان بنید در تمام نمازهای پنجگانه خود این مَظنَب را بگوید و یاد توری کند و حق ندارد مدح و ثنا و ستایشی کسی را بگوید غیر از خداوند تا کرامت انسانی خود را از دست ندهد. چون تمام دیکتاتوران جهانی در اثر این چاپلوسی‌ها، سداچی‌ها و ثناگوئی‌ها ساخته شده‌اند و دنیا را بختاک و خون کشیده‌اند.

rouzaneha.org

اسلام، اسلام یعنی تسلیم کردن. در قرآن یعنی خود را تسلیم خدا کردن. تسلیم خدا شدن. تسلیم حکم و نظر خدا بودن و تسلیم حکم و نظری که بر خلاف حکم و نظر خدا باشد نبودن. اسلام یک عمل است، نه یک اسم بدون عمل. تمام پیغمبران و تمام پیروان واقعی آنها مسلمان بودند و مردم را به مسلمانی، یعنی تسلیم خدا بودن دعوت می‌کردند. به آیه ۱۲۸ تا ۱۳۳: ۲ سوره بقره و ۶۷: ۳ سوره آل عمران و ۷۲ و ۷۴: ۱۰ سوره یونس و ۱۲: ۱۰۱ سوره یوسف نگاه کنید.

ایمان و مؤمن: ایمان یعنی عقیده داشتن. باور داشتن اطمینان خاطر داشتن از درستی یا غلط بودن چیزی. و مؤمن کسی است که بدرستی یا غلط بودن چیزی عقیده و باور دارد و خاطرش در باره آن جمع است. مومن در قرآن کسی است که به پیغمبری هر یک از پیغمبران ایمان داشته باشد. این لغت در قرآن بیشتر ایمان داشتن به پیغمبری پیغمبر اسلام ص است. کسی که به پیغمبری پیغمبر ص ایمان داشته باشد. ایمان دارد که او پیام خدا را ب مردم می‌رساند. پس ایمان به خدا هم دارد و پیام خدا را وحی الهی میدانند. نه تصور و خیال شخص پیغمبر. مومن در دین الهی، خدا

را خالق جهان و انسان و تمام قوانینی که خداوند در طبیعت گذاشته میداند. بنا بر این خداوند را دانای تمام قوانین طبیعی و غرائز و احتیاجات انسان و حیوان میداند که در راهنمایی خود هیچگاه اشتباه نمیکند. امروزه با شناختن روابط ریاضی قرآن شکی در وجود داشتن خدا و الهی بودن قرآن و پیامبری پیامبر اسلام ص باقی نمیماند. لذا مسلمان واقعی تسلیم محض و بدون چون و چرای احکام و نظریات قرآن است و میداند که قرآن راه صحیح رسیدن به سعادت و راحتی انسان را به او نشان میدهد. لذا با مال و جانیش در راه عملی شدن احکام و نظریات قرآن کوشش میکند. مسلمان به خدا و آخرت و فرشتگان و کتابهای الهی و پیغمبران و روز آخرت ایمان دارد.

اصول ایمانی در قرآن این ۵ چیز است به آیه ۲:۱۷۷ سوره بقره و ۴:۱۳۶ سوره

rouzaneha.org

نساء مراجعه کنید.

کفر و کافر: کفر بیشتر در قرآن ضد ایمان است. یعنی عقیده نداشتن، باور نداشتن، منکر بودن، انکار کردن، قبول نداشتن. کفر بمعنی پوشاندن و فدرنشاسی کردن هم آمده. کافر کسی است که چیزی را قبول نداشته باشد. در قرآن کافر کسی است که پیامبری پیامبران را قبول نداشته باشد و در نتیجه خدا یا فرشتگان یا یکی از کتابهای الهی یا یکی از پیغمبران و یا روز قیامت را قبول نداشته باشد. البته قبول نداشتن بتها هم کفر به آنها است. آیه ۴: ۶۰ سوره ممتحنه را ببینید.

خواست خدا: در قرآن کلمه شاء الله، یشاء الله زبید آمده است. یعنی (خدا خواست) و (خدا بخواهد یا خدا میخواهد).

مثل آیه ۱۴:۴ سوره ابراهیم که میفرماید: (خدا هر کس را که بخواهد هدایت

میکنند)). آیا خداوند از بعضی از بنندگان خودش خوشش نمی آید و آنها را گمراه می‌کند و از بعضی از آنها خوشش می آید و آنها را هدایت می‌کند؟ مسلماً اینطور نیست. این گمراه کردن و هدایت کردن مطابق قانونی است که خودش در جهان گذاشته. اگر کسی راه رسیدن به خانه کسی را بداند و در آن راه حرکت کند دیر یا زود به آن خواهد رسید و اگر راه را نداند و حرکت کند نخواهد رسید. و اگر بداند و حرکت نکند باز هم نخواهد رسید. **این قانون، خواست خداوند است که در جهان**
rouzaneha.org
 گذاشته.

میدانیم که جهان را خداوند یا قوانینی که در آن است آفریده. یعنی **خداوند خواسته که جهان با این قوانین وجود داشته باشد.** اگر خداوند میخواست که قوانین دیگری بر جهان حکومت کند، جهان چهره دیگری داشت. بنابر این هر حرکتی که در جهان صورت میگیرد و هر کاری که میشود مطابق قوانینی است که خداوند در جهان نهاده و مطابق **خواست خدا** است. اگر بادی میوزد، اگر هوا ابر میشود، اگر باران میبارد، اگر هوا گرم یا سرد میشود، اگر زمین میگرود، اگر کسی مریض میشود، اگر کسی مطمئنه ای میکند، اگر کسی کاری میکند، اگر کسی راه صحیح را پیدا میکند، اگر کسی منحرف و سرگردان میشود، اگر کسی شکست میخورد، اگر کسی پیروز میشود، **همه مطابق قوانینی** است که خداوند در طبیعت گذاشته. یعنی **مطابق خواست خدا** است. اگر کسی قدرت پیدا میکند، اگر کسی قدرت را از دست میدهد، همه مطابق قوانینی است که خداوند در جهان گذاشته. یعنی **مطابق خواست و مشیت خداوند** است. اگر انسان اختیارهائی دارد، اگر محدودیت هائی دارد، همه مطابق

قوانین طبیعی، یعنی قوانینی است که خداوند در طبیعت نهاده، یعنی مطابق خواست و مشیت خداوند است.

خداوند آدم ظالم و مسرف (اسراف کننده) و شکاک و سرکش و هوی پرست را گمراه میکند. آیه ۷:۱۸۶ سوره اعراف و ۱۴:۲۷ سوره ابراهیم و ۳۸:۲۶ سوره ص و ۴۰:۳۴ سوره مؤمن را ببینید.

خدا کسی را که توبه کند و بسوی او برگردد و در راه او کوشش کند و دنبال رضایت خدا بگردد هدایت میکند و کافران و ظالمان و فاسقان و خائنان و دروغگویان و اسرافکاران را هدایت نمیکند. آیه ۲:۲۵۸ بقره و ۳:۸۶ آل عمران و ۵:۱۰۸ مائده و ۱۲:۵۲ یوسف و ۲۸:۵۰ قصص و ۲۹:۶۹ عنکبوت و ۴۰:۲۸ سوره غافر یا مؤمن را

rouzaneha.org

ببینید.

خداوند در آیه ۱۳:۱۱ سوره رعد میفرماید: **((خداوند وضع قومی را تغییر نمیدهد، مگر اینکه خود آن قوم فکر و عمل خود را تغییر دهند))**. تا انسان آنچه مربوط به خودش است یعنی **فکر و عمل** خود را تغییر ندهد، خداوند وضع او را تغییر نمیدهد. هر کس که دنبال حقیقت بگردد و در راه آن تلاش و کوشش کند، خداوند او را هدایت میکند. هدایت و گمراه ساختن، عزیز و ذلیل کردن، بقدرت رساندن و قدرت را گرفتن، همه مطابق قوانینی است که خداوند در جهان گذاشته است و خوسته که جهان با این قوانین اداره شود.

مسلم؛ مسلم یعنی مسلمان، کسی است که تسلیم حکم و نظر خداوند است و بدون چون و چرا از حکم و نظر خداوند اطاعت میکند. چون میدانند که خداوند که جهان

را خلق کرده و میتواند مثل آن را خلق کند. احتیاجی به بنده خود ندارد که بخواهد از بنددانش برای رفع احتیاجش سوء استفاده کند. میداند خدائی که جهان و انسان را خلق کرده و قوانین جهان و غرائز و احتیاجات انسان را میداند. در راهنمایی خود اشتباه نمیکند. لذا از راهنمایی‌ها و احکام و نظرهای خداوند بدون چون و چرا اطاعت میکند. و میداند هر انسانی احتیاجاتی دارد و معلومات هیچ انسانی کامل نیست و انسان‌ها دچار فراموشی میشوند و موقع محاسبه‌ها و فکر کردن، بسیاری از معلوماتی که دارند پای حساب نمی‌آورند و دچار اشتباه میشوند. لذا از هیچکس و هیچ سازمانی بدون چون و چرا اطاعت نمیکند. غیر از خدا.

متقی: تقوی یعنی تسلط بر نفس. یعنی حاکم بر خود بودن و اسیر دل و دلخواه نبودن. آدم متقی، یعنی آدم با تقوی بر خواسته‌های خود مسلط است. یعنی کار بد و خلاف را اگر چه علاقه شدید به آن داشته باشد نمیکند. و کار صحیح را اگر چه از آن بدش بیاید میکند.

rouzaneha.org

منافق: منافق یعنی دورو. یعنی کسی که ظاهراً ادعای ایمان میکند. در صورتیکه قلباً ایمان ندارد. بسیاری از مدعیان دینداری منافقاتی هستند که فقط ادعای دینداری میکنند ولی از احکام و نظرهای خداوند که در قرآن است اطلاعی ندارند. چه رسد که مطابق آن عمل کنند. این افراد اگر ایمان به خدا و روز آخرت داشتند بجای خواندن مطائب سرگرم کننده قرآن میخواندند تا از احکام و نظرهای خداوند اطلاع کامل پیدا کنند و از آن پیروی و مطابق آن عمل کنند و نظر بدهند تا به نعمت‌های بهشت برسند و از عذاب جهنم نجات یابند و دنیای پاکی بسازند که در آن خود و

خانواده و تمام افراد بشر با خیال راحت زندگی کنند.

فاسق: فسق یعنی خارج شدن و فاسق کسی است که از اطاعت از دستورهای خداوند خارج شده. یعنی نافرمان، یعنی کسی که از دستورهای خدا اطاعت نمی‌کند. **انفاق:** انفاق یعنی خرج کردن، نفقه یعنی خرج، مخارج، مثل اینکه گفته شود نفقه زن و فرزند برعهده شوهر و پدر است. در قرآن بیشتر انفاق بمعنی خرج کردن در راه خدا بکار میرود و به زکات هم انفاق گفته میشود. آیه ۲۶۱ تا ۲۷۳: ۲ سوره بقره را ببینید.

تکذیب: تکذیب یعنی منکر درستی چیزی شدن و آن را دروغ دانستن. یعنی قبول نداشتن درستی سخنی یا چیزی. تکذیب ضد تصدیق است.

rouzaneha.org

تصدیق یعنی درستی حرفی را قبول کردن و قبول داشتن.

نجس: کلمه نجس فقط یکبار در آیه ۹:۲۸ آمده و آنهم در باره نجس بودن مشرکین است. البته نه اینکه اگر به آنها دست زدید باید دست خود را بشوئید یا بقول آب بکشید، بلکه همانطور که آیه میفرماید: مشرکین حق نداشتند بعد از آن روز وارد مسجد الحرام شوند. در قرآن صحبت از نجس دیگری وجود ندارد.

مسجد الحرام مسجدی است در مکه که خانه کعبه در آن قرار دارد.

زهد: زهد یعنی بی‌علاقگی، بی‌میلی. کلمه زهد نیز فقط یکبار بصورت زاهدین در آیه ۱۲:۲۰ سوره یوسف آمده است. آنهم زهد یعنی بی‌میلی به یوسف است. نه زهد بی‌علاقگی و بی‌میلی به دنیا. چون میفرماید: ((چون علاقه‌ای به یوسف نداشتند او را به قیمت ناچیزی به چند درهم فروختند)). زهد یعنی بی‌علاقگی نسبت به دنیا

در قرآن وجود ندارد. این کلمه از آئین‌های هندی یعنی آئین هندو (برهمنائی) و بودائی و جینی وارد یهودیت و مسیحیت و اسلام شده. **مسلمان مطابق آیه ۲:۲۰۱** **سوره بقره هم دنیا را میخواهد هم آخرت را.** آیه ۲:۲۰۱ سوره بقره و آیه ۷:۳۲ سوره اعراف و ۱۴:۲۴ سوره ابراهیم و ۱۶:۱۱۴ سوره نحل را هم ببینید.

هدایت: هدایت یعنی راهنمائی. یعنی نشان دادن راه صحیح در بین راه‌های غلط.
فدیه: فدیه یعنی خون‌بها یا جریمه‌ای که شخص در مقابل گناه یا خلافی که کرده باید پردازد.

یوم: یوم یعنی روز، در قرآن بمعنی مرحله است. مثل روز معمولی ۲۴ ساعته و روز هزارساله و پنجاه هزارساله. آیه ۲:۱۸۴ سوره بقره و ۲۲:۴۷ سوره حج و ۷۰:۴ سوره معارج را ببینید. در قرآن بیشتر روز بمعنی مرحله آمده. مثل یوم‌الدین و **یوم‌الآخر و یوم‌القیامة.** rouzaneha.org

آیه ۱ آیه ۲ معنی دارد:

۱ - آیه قرآن.

۲ - آیه بمعنی معجزه. آیه ۲۰ و ۱۰:۹۴ سوره یونس را ببینید.

۳: فوائین طبیعی که در جهان وجود دارد. آیه ۲۱ تا ۳۰:۲۴ سوره روم را ببینید.

توجه

روانی ترجمه: در این ترجمه سعی شده قرآن تا آنجا که ممکن است ساده و روان ترجمه شود، تا همه بتوانند از آن استفاده کنند و بفهمند خداوند در قرآن چه میگوید

و چه نظری دارد. کسانی که میخواهند ترجمه ادبی و کلمه به کلمه قرآن را بخوانند میتوانند از ترجمه‌های دیگر استفاده کنند. در این ترجمه سعی شده لغت‌هائی بکار رود که همه معنی آن را میدانند.

اسم فاعله: در قرآن اسم فاعل بیشتر از زبان فارسی بکار رفته. لذا بسیاری از آنها بصورت فعل ترجمه شده.

است؛ کلمه ((است)) بعد از اسم مفعول‌ها معمولاً حذف شده تا بزبان ساده مردم نزدیکتر باشد، مثل ((بکار رفته)) و ((ترجمه شده)) در سطر قبل.

rouzaneha.org

علامت *

در بعضی از آیه‌ها علامت * گذاشته شده است. این علامت بدین معناست که

توضیح مختصری درباره آن آیه در آخر قرآن آمده است.

امجاز ریاضی قرآن را در قسمت آخر این کتاب بخوانید و درباره آن فکر کنید تا

متوجه شوید که قرآن کلام انسان نیست و بدون شک وحی خداست.

لطفاً اگر کلمات و جملات ساده تری برای ترجمه قرآن بنظرتان می‌رسد به

ما اطلاع دهید تا در چاپهای بعدی از آن استفاده کنیم.



فهرست سوره‌های قرآن

سوره	صفحه	سوره	صفحه	سوره	صفحه	سوره	صفحه
آل عمران	۵۰	حج	۳۳۲	صبر	۶۰۲	مجادله	۵۴۲
ابراہیم	۲۵۵	حجر	۲۶۲	علق	۵۹۸	محمد	۵۰۷
انزاب	۴۸	حجرات	۵۱۵	عنکبوت	۳۶۶	مذثر	۵۷۵
نطف	۵۰۲	حدید	۵۳۷	غاشیہ	۵۹۲	مرسلات	۵۸۰
نکاح	۶۰۵	حشر	۵۳۵	غافر	۴۶۷	مريم	۳۰۵
اسراء	۲۸۲	دخان	۴۹۶	فجعه	۱	مزل	۵۷۴
اسراف	۱۵۱	ذاریک	۵۲۰	فاطر	۴۳۴	مطلبین	۵۸۸
اعلی	۵۹۲	رحمن	۵۱۶	فتح	۵۱۱	مطرح	۵۶۸
انبیاء	۳۲۲	رعد	۲۲۹	فجر	۵۹۳	ملک	۵۶۲
انسان	۵۷۸	روم	۴۰۴	فرقان	۳۵۹	ممتحنه	۵۴۹
انشقاق	۵۸۹	زخرف	۳۸۹	فصلت	۴۷۷	منافقون	۵۵۴
انعام	۱۲۸	زلزله	۶۰۰	طلاق	۶۰۵	مؤمن	۴۶۷
انفال	۱۷۷	زمر	۲۵۸	فیل	۶۰۲	مؤمنون	۳۲۲
انفطار	۵۸۷	مبا	۴۲۸	ق	۵۱۸	نارعات	۵۸۳
ابرواح	۵۹۰	سجدہ	۴۱۵	قرعہ	۶۰۱	نہس	۶۰۵
بقرہ	۲	شرح	۵۹۷	قدر	۵۹۹	نباء	۵۸۲
بلد	۵۹۴	شعراء	۳۶۷	قریش	۶۰۳	نجم	۵۲۶
بنہ	۵۹۹	شمس	۵۹۵	قصص	۳۸۵	نحل	۲۶۷
تبت	۶۰۴	شوری	۴۸۳	ظم	۵۶۴	نساء	۷۷
تحریم	۵۶۰	ص	۴۵۳	قمر	۵۲۸	نصر	۶۰۴
تغاب	۵۵۶	صافات	۴۴۶	قیامت	۵۷۷	نمل	۳۷۷
تکوير	۶۰۱	صاف	۵۵۱	کافرون	۶۰۴	نوح	۵۷۰
توبہ	۵۸۶	ضحی	۵۹۶	کاف	۲۹۳	نور	۲۵۰
تین	۸۷	طارق	۵۹۱	کوثر	۶۰۳	ہمزہ	۶۰۲
جاثیہ	۵۹۷	طلاق	۵۵۸	انسان	۴۱۱	ہود	۲۲۱
جمعه	۴۹۹	طہ	۳۱۲	لہب	۶۰۴	واقعه	۵۳۴
جن	۵۵۳	طور	۵۲۳	لیل	۵۹۶	یس	۴۴۰
حقہ	۵۷۲	عنکبوت	۶۰۰	مائدہ	۱۰۶	یوسف	۲۳۵
	۵۶۶	عبس	۵۸۵	ملعون	۶۰۳	یونس	۲۰۸

rouzaneha.org

معجزه ریاضی قرآن

آقای دکتر رشاد خلیفه متوجه شدند که جمله "بسم الله الرحمن الرحیم" ۱۹ حرف دارد و در آیه ۷۴:۳۰ سوره مدثر آمده است که نگهبانان جهنم ۱۹ فرشته هستند و هرکس که بگوید قرآن سخن انسان است خداوند او را وارد جهنمی میکند که ۱۹ فرشته نگهبان آن هستند. عدد ۱۹ عدد اول (prime number) است. عدد اول عددی است که فقط بر خودش و بر یک قابل تقسیم باشد. آقای دکتر رشاد خلیفه با تحقیقاتی که توسط کامپیوتر انجام داد متوجه اعجاز ریاضی قرآن شد. ولی متأسفانه در اثر مداحی‌های اطرافیان امر بر او مشنبه شد و پس از چندی ادعا کرد که رسول میثاق است و ادعا کرد که دو آیه آخر سوره توبه به قرآن اضافه شده است. در صورتیکه خودش میگوید خداوند میفرماید: **"ما قرآن را نازل کردیم و خودمان حافظ آن هستیم"**. که اعجاز ریاضی قرآن آن را نشان میدهد و دست به ترجمه قرآن به زبان انگلیسی زد که بسیاری از لغات آن را مطابق میل خود ترجمه کرده است و بعضی از خطابه‌هایی که به پنجمبر شده خطاب به خودش معرفی کرده. همیشه مداحی‌ها چنین نتیجه‌ای بیار می‌آورد. روی همین اصل است که قرآن با جمله **"الحمد لله رب العالمین"** شروع میشود که میفرماید: **"ستایش و بزرگداشت فقط اختصاص به خدا دارد که صاحب اختیار همه مردم جهان است"**. و بر خلاف گفته خودش که هیچکس را نباید بت ساخت او را بصورت بتی درآوردند.

بهر جهت دنباله تحقیقات او را دیگران گرفتند و به نتایج شگفت‌آور دیگری رسیدند. از کار پرازش او قدردانی میکنیم و بخاطر ادعایش از خداوند برای او طلب آمرزش میکنیم.

اما معجزه ریاضی قرآن :

کوروش جمنشان که در زمان حاضر در تهران زندگی میکند با یک ماشین حساب کوچک به نتیجه‌ای رسید که شما میتوانید آن را امتحان کنید. او شماره هر سوره را با تعداد آیات آن بصورت زیر جمع کرد:

شماره سوره	تعداد آیه	جمع	
۱	۷	۸	زوج
۲	۲۸۶	۲۸۸	زوج
۳	۲۰۰	۲۰۳	فرد
۴	۱۷۶	۱۸۰	زوج
۵	۱۲۰	۱۲۵	فرد
...
...
۱۱۳	۵	۱۱۸	زوج
۱۱۴	۶	۱۲۰	زوج
جمع	جمع	جمع	جمع
سوره‌ها	آیه‌ها	فردها	زوجها
۶۵۵۵	۶۲۳۶	۶۵۵۵	۶۲۳۶

معجزه ریاضی قرآن

۶۱۸

قابل توجه است که تعداد زوج‌ها ۵۷ عدد و فردها نیز به همان تعداد یعنی ۵۷ عدد می‌باشند که این خود به تنهایی یک معجزه است.

اما معجزه دیگر اینست که اگر حاصل جمع‌های زوج را با هم جمع کنیم ۶۲۳۶ بدست می‌آید که مساوی است با تعداد کل آیه‌های قرآن.
rouzaneha.org

و معجزه دیگر اینکه اگر حاصل جمع‌های فرد را با هم جمع کنیم ۶۵۵۵ بدست می‌آید که مساوی است با جمع کل شماره سوره‌های قرآن.

و معجزه دیگر اینکه اگر رقم‌های ۶۵۵۵ را با رقم‌های ۶۲۳۶ جمع کنیم، عدد ۳۸ بدست می‌آید که خود ضریب ۱۹ دارد:

$$\underline{6+5+5+5} + \underline{6+2+3+6} = 38 = 19 \times 2$$

همانطور که تعداد سوره‌های قرآن ضریب ۱۹ دارد:

$$114 = 19 \times 6$$

لطفا توجه کنید که اگر تعداد آیه‌های قرآن را کم یا زیاد کنیم یا جای سوره‌ها را با هم عوض کنیم دیگر چنین روابطی وجود نخواهد داشت، و این نشان دهنده اینست که تعداد آیات قرآن همین اندازه و ترتیب سوره‌ها نیز به همین ترتیب بوده و در نتیجه قرآن نمیتواند کار دست انسان باشد.

(برای دریافت جزوه معجزه ریاضی قرآن توسط آقای کورش جم نشان با کانون توحید تماس حاصل نمایند.)

آقای عبدالله اریک ستوجه شدند که در چهار کلمه 'بسم' و 'الله' و 'الرحمن' و 'الرحیم' ۱۹ رابطه ریاضی وجود دارد. که با محاسبه ارزشهای عددی حروف الفبای عربی (که در قدیم به آن ابجد میگفتند) به آن رسید.

rouzaneha.org

حروف ابجد ۲۸ حرف عربی را نشان میدهد که بترتیب از یک تا هزار بترتیب زیر شماره گذاری شده:

۱ = ا	۲۰ = ک	۱۰۰ = ق
۲ = ب	۳۰ = ل	۲۰۰ = ر
۳ = ج	۴۰ = م	۳۰۰ = ش
۴ = د	۵۰ = ن	۴۰۰ = ت
۵ = ه	۶۰ = س	۵۰۰ = ث
۶ = و	۷۰ = ع	۶۰۰ = خ
۷ = ز	۸۰ = ف	۷۰۰ = ذ
۸ = ح	۹۰ = ص	۸۰۰ = ض
۹ = ط		۹۰۰ = ظ
۱۰ = ی		۱۰۰۰ = غ

لازم به تذکر است که این ارزشهای عددی حروف الفبای عربی مانند ارزشهای عددی حروف لاتین (Roman Numerals) قرن‌هاست که مورد استفاده بوده است.

معجزه ریاضی قرآن

۶۲۰

rouzaneha.org

۱۹ حرف بسم الله الرحمن الرحيم و ارزشهای ابجدی مربوطه.

شماره حرف	عربی	ارزش ابجدی
۱	ب	۲
۲	س	۶۰
۳	م	۴۰
۴	ا	۱
۵	ل	۳۰
۶	ل	۳۰
۷	ه	۵
۸	ا	۱
۹	ل	۳۰
۱۰	ر	۲۰۰
۱۱	ح	۸
۱۲	م	۴۰
۱۳	ن	۵۰
۱۴	ا	۱
۱۵	ل	۳۰
۱۶	ر	۲۰۰
۱۷	ح	۸
۱۸	ی	۱۰
۱۹	م	۴۰

معجزه ریاضی قرآن

۶۲۱

معجزه ریاضی

"بسم الله الرحمن الرحيم"

۴ کلمه و ۱۹ حرف بسم الله الرحمن الرحيم چنان با یکدیگر، بنابر یک سیستم ریاضی متشکل گردیده است که با دانش و احساس بشری غیر قابل انجام میباشد. این سیستم قابل تعمق، بر اساس ارزشهای ابجدی این حروف بدست می‌آید که اطلاعات مورد نیاز برای شرح آن بطور خلاصه در زیر نشان داده شده است.

چهار کلمه "بسم الله الرحمن الرحيم" شماره حروف عربی هر کلمه و ارزشهای ابجدی آنها:

شماره کلمات	تعداد حروف	ارزشهای ابجدی	جمع ارزشها
۱	ب س م	۳	۴۰/۶۰/۲
۲	ا ل ه	۴	۵/۳۰/۳۰/۱
۳	ا ل ر ح م ن	۶	۵۰/۴۰/۸/۲۰۰/۳۰/۱
۴	ا ل ر ح ی م	۶	۴۰/۱۰/۸/۲۰۰/۳۰/۱
	جمع	۱۹	جمع ارزشها ۷۸۶

- ۱- بسم الله الرحمن الرحيم ۱۹ حرف است.
- ۲- اگر شماره ترتیب هر کلمه را بنویسیم، بعد از هر شماره تعداد حروف آن را بنویسیم عدد ۱۳۲۴۳۶۴۶ بدست می‌آید که قابل قسمت به ۱۹ است. (شماره ترتیب هر کلمه برای تشخیص بهتر درشت نوشته شده): $13243646 = 19 \times 19 \times 36686$

معجزه ریاضی قرآن

۶۲۲

۳- اگر ترتیب کلمات را با شماره آن از آخر بنویسیم باز ضریب ۱۹ دارد:

$$۳۱۳۲۶۳۶۳ = ۱۹ \times ۲۴۴۰۱۲۷$$

۴- اگر بجای تعداد حروف هر کلمه جمع ارزش ابجدی آن را پس از شماره ترتیب آن بگذاریم باز قابل قسمت به ۱۹ است:

$$۱۱۰۲۲۶۶۳۳۲۹۴۲۸۹ = ۱۹ \times ۵۸۰۱۴۰۱۲۵۲۳۳۱$$

۵- اگر ارزش ابجدی هر حرف را پس از شماره ترتیب کلمه بگذاریم، باز قابل قسمت به ۱۹ است:

$$۱۲۶۰۴۰۲۱۳۰۳۰۵۳۱۳۰۲۰۰۸۴۰۵۰۴۱۳۰۲۰۰۸۱۰۴۰ = ۱۹ \times ۶۶۳۳۶۹۵۶۱۲۶۵۹۵۴۲۲۱۰۹۶۸۶۸۶۳۸۴۳۱۶۲۱۶۰$$

۶- اگر پس از شماره ترتیب هر کلمه حاصل جمع تعداد حروف هر کلمه را با مجموع ارزش‌های ابجدی آن کلمه بگذاریم باز ضریب ۱۹ دارد. یعنی:

$$۱۱۰۵۲۷۰۳۳۳۵۴۲۹۵ = ۱۹ \times ۵۸۱۷۲۱۲۲۸۱۸۰۵$$

$$(۳+۱۰۲) (۴+۶۶) (۶+۳۲۹) (۴+۲۸۹)$$

۷- اگر پس از شماره ترتیب هر کلمه تعداد حروف هر کلمه را به اضافه مجموع حروف کلمات قبل از آن بگذاریم باز ضریب ۱۹ دارد

$$۱۳۲۷۳۱۳۴۱۹ = ۱۹ \times ۶۹۸۵۸۶۰۱$$

$$(۰+۳) (۳+۴) (۳+۴+۶) (۳+۴+۶+۶)$$

۸- اگر پس از شماره ترتیب هر کلمه حاصل جمع ارزش ابجدی هر کلمه را باضافه مجموع ارزش‌های ابجدی قبل از آن بگذاریم باز ضریب ۱۹ دارد یعنی:

$$\begin{aligned} & 102 \ 168 \ 497 \ 786 = 19 \times 58011412367094 \\ & \text{چون: } (102+66=168) \text{ و } (102+66+329=497) \text{ و } \\ & (102+66+329+289=786) \text{ میباشد.} \end{aligned}$$

۹- اگر ارزش ابجدی هر حرف از ۱۹ حرف بسم‌الله الرحمن الرحیم را قبل از شماره ترتیب آن حرف بگذاریم (عدد ۶۲ رقمی بدست می‌آید) باز ضریب ۱۹ دارد یعنی:

$$\begin{aligned} & 21602403 \ 142052657 \ 182092001081140125013 \\ & \underline{\underline{11430152001681710184019}} = 19 \times 1136968586470000 \end{aligned}$$

زیر اعداد مربوط به هریک از چهار کلمه بسم‌الله الرحمن الرحیم خط کشیده شده است. این خط‌کشی برای درک نکات بعد مفید میباشد.
rouzaneha.org

۱۰- اگر شماره ترتیب هر کلمه (۴ و ۳ و ۲ و ۱) را در آخر هر عددی که زیر آن خط کشیده شده است اضافه کنیم عدد جدیدی بدست می‌آید (عدد ۶۶ رقمی) که باز هم ضریب ۱۹ دارد.

$$\begin{aligned} & 21602403 \ 142052657 \ 182092001081140125013 \ 3 \\ & \underline{\underline{11430152001681710184019}} = 19 \times 1136968586470000 \end{aligned}$$

معجزه ریاضی قرآن

۶۲۴

۱۱- اگر پس از هر کلمه بجای شماره ترتیب (۱ و ۲ و ۳ و ۴)، مجموع ارزش‌های ابجدی هر کلمه (۱۰۲ و ۶۶ و ۳۲۹ و ۲۸۹) را بگذاریم، یک عدد ۷۳ رقمی بدست خواهد آمد که باز هم ضریب ۱۹ دارد.

$$\underline{۲۸۹ \quad ۳۲۹ \quad ۱۸۳۰۹۲۰۰۱۰۸۱۱۴۰۱۲۵۰۱۳} \quad \underline{۱۴۳۰۵۳۰۶۵۷ \quad ۶۶} \quad \underline{۱۰۲ \quad ۲۸۹ \quad ۳۲۹}$$

$$۲۸۹ = ۱۹ \times$$

$$۱۱۱۳۶۹۶۸۵۸۴۳.....)$$

$$\underline{۱۱۴۳۰۱۵۲۰۰۱۶۸۱۷۱۰۱۸۶۰۱۹}$$

۱۲- در این مرحله ارزش‌های ابجدی هر کلمه ۱۰۲ و ۶۶ و ۳۲۹ و ۲۸۹ را در ابتدای هر کلمه میگذاریم، باز هم عدد ۷۳ رقمی جدیدی بوجود می‌آید که ضریبی از ۱۹ است.

$$\underline{۲۸۹ \quad ۳۲۹ \quad ۱۸۳۰۹۲۰۰۱۰۸۱۱۴۰۱۲۵۰۱۳} \quad \underline{۱۴۳۰۵۳۰۶۵۷ \quad ۶۶} \quad \underline{۱۰۲ \quad ۲۸۹ \quad ۳۲۹}$$

$$۲۸۹ \quad \underline{۱۱۴۳۰۱۵۲۰۰۱۶۸۱۷۱۰۱۸۶۰۱۹} = ۱۹ \times ۵۳۷۹۷۹۰۷۳۸.....$$

۱۳- برای هر کلمه بسم الله الرحمن الرحیم نکات زیر را مینویسیم:
 ۱- تعداد حروف هر کلمه. مثلاً کلمه بسم از ۳ حرف تشکیل شده (برای تشخیص بصورت درشت نوشته شده).

۲- جمع ارزش ابجدی هر کلمه. مثلاً کلمه بسم جمع ارزش حروف

آن ۱۰۲ میباشد. rouzaneha.org

۳- ارزش ابجدی هر حرف در هر کلمه. مثلاً کلمه بسم از حروف ب، س، م تشکیل گردیده که ارزش هر حرف به ترتیب ۲ و ۶۰ و ۴۰ میباشد.

۶۲۵

معجزه ریاضی قرآن

اگر پس از تعداد حروف هر کلمه جمع ارزش ابجدی هر کلمه و بعد ارزش ابجدی هر حرف آن کلمه را بگذاریم یک عدد ۴۸ رقمی بوجود می‌آید که باز ضریب ۱۹ دارد.

$$\begin{array}{r} ۶۶۱۳۰۳۰۵ \\ ۶۳۲۹۱۳۰۲۰۰۸۴۰۵۰ \\ ۶۲۸۹۱۳۰۲۰۰۸۱۰۴۰ \\ \hline ۳۱۰۲۲۶۰۴۰ \end{array}$$

$$= ۱۹ \times ۱۶۳۲۷۶۸۶۳۴ \dots$$

۱۴- در این مرحله پس از تعداد حروف هر کلمه ارزش هر حرف آن کلمه و بعد جمع ارزش حروف آن را مینویسم که این بار هم عدد ۴۸ رقمی بدست می‌آید که باز هم ضریبی از ۱۹ میباشد.

$$\begin{array}{r} ۳۲۶۰۴۰۱۰۲ \\ ۴۱۳۰۳۰۵۶۶ \\ ۶۱۳۰۲۰۰۸۴۰۵۰۳۲۹ \\ \hline ۶۱۳۰۲۰۰۸۱۰۴۰۲۸۹ = ۱۹ \times ۱۷۱۶۰۰۰۵۲۹ \dots \end{array}$$

۱۵- اگر شماره ترتیب حروف هر کلمه را با شماره ترتیب حروف کلمه‌های بعد جمع کنیم عددی ۱۲ رقمی بدست می‌آید که باز هم ضریبی از ۱۹ میباشد.

$$\begin{array}{r} ۱۲۳ + ۴۵۶۷ + ۸۹۱۰۱۱۱۲۱۳ + ۱۴۱۵۱۶۱۷۱۸۱۹ = \\ \hline ۱۵۰۴۲۶۲۸۷۷۲۲ = ۱۹ \times ۷۹۱۷۱۷۳۰۳۸ \end{array}$$

۱۶- اگر شماره ترتیب هر کلمه را پس از شماره ترتیب حروف هر کلمه بگذاریم عدد ۲۳ رقمی بدست می‌آید که باز هم ضریبی از ۱۹ میباشد.

$$\begin{array}{r} ۱۲۳ | ۴۵۶۷ | ۸۹۱۰۱۱۱۲۱۳ | ۱۴۱۵۱۶۱۷۱۸۱۹ | \\ \hline = ۱۹ \times ۶۴۸۱۳۵۱۲۰۴۷۹ \dots \end{array}$$

معجزه ریاضی قرآن

۶۳۶

۱۷- اگر تعداد کلمات بسم الله الرحمن الرحيم (۴) را اول بنویسیم و تعداد حروف (۱۹) آن را بعد از آن بنویسیم و بعد حاصل جمع ارزش ابجدی (۷۸۶) آن را بنویسیم عدد ۶ رقمی بوجود می‌آید که ضریبی از ۱۹ میباشد. (برای تشخیص زیر آن اعداد خط کشیده شده است).

$$\underline{\underline{۴ \quad ۱۹ \quad ۷۸۶}} = ۱۹ \times ۲۲۰۹۴$$

۱۸- اگر رقم‌های رابطه ۱۷ را برعکس بنویسیم ضریب ۱۹ خواهد داشت.

$$۶۸۷ \quad ۹۱ \quad ۴ = ۱۹ \times ۳۶۲۰۶$$

۱۹- اگر شماره آیه بسم الله الرحمن الرحيم که اولین آیه قرآن است بنویسیم و بعد تعداد حروف آن (۱۹) را بنویسیم و بعد تعداد حروف هر کلمه را بنویسیم باز ضریبی از ۱۹ میباشد.

$$\underline{\underline{۱ \quad ۱۹ \quad ۳۴۶۶}} = ۱۹ \times ۱۹ \times ۱۹ \times ۱۷$$

آیا فکر میکنید این روابط ریاضی تصادفی است؟ اگر اینطور فکر کنید خیلی بی‌انصافی کرده‌اید و خواسته‌اید با کمال بی‌انصافی این حقیقت بزرگ را که قرآن کلام خدا است و نه تنها کار محمد (ص) و تمام مردم آن زمان نیست، بلکه حتی مردم این زمان هم با وجود کامپیوتر نمیتوانند چهار کلمه پیدا کنند که اینهمه روابط ریاضی داشته باشد. چون بیشتر این روابط باید در قالب $۱۹ \times \dots = ۱۹ \times ۴۹ \times ۳۹ \times ۲۹ \times ۱۹$ باشد. یعنی بجای علامت سوال پس از شماره ترتیب باید عدد خاص آن چهار کلمه وجود داشته باشد.

مطابق محاسبه‌ای که با کامپیوتر شده، احتمال مرحله ۲ برابر یک در ۱۸۹۷۵۳ می‌باشد و احتمال مرحله ۲ و ۴ کمتر از یک در ۳۶ میلیارد می‌باشد و احتمال مرحله ۲ و ۴ و ۵ کمتر از یک در ۶.۸۳۲ کاترلیون می‌باشد. در نتیجه احتمال تصادفی بودن این ۱۹ رابطه تقریباً صفر یعنی محال است.

اندکی فکر کنید و منصفانه قضاوت کنید که آیا محاسبه این روابط کار مردم ۱۴ قرن پیش عربستان است؟ چه رسد به یک شخص. آیا این روابط نشان‌دهنده یک وجود بسیار بسیار دانا و حسابگر که خدا باشد نیست و پیامبری محمد(ص) و الهی بودن قرآن را نشان نیدمد؟ حالا که معلوم شد قرآن واقعا کلام خدا است، آن را با دقت هر چه بیشتر بخوانید و در آیات آن اندیشه و فکر کنید تا راه درست زندگی را پیدا کنید.

rouzaneha.org

چند معجزه ریاضی دیگر

کلمه اسم ۱۹ بار در قرآن آمده است.

کلمه الله بدون حساب الله که در بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اول سوره‌ها است ۲۶۹۸ بار یعنی ۱۴۲ X ۱۹ بار آمده است.

کلمه الرحمن که یکی از صفات انحصاری خدا است، ۵۷ بار یعنی ۱۹ X ۳ بار و کلمه رحیم که بصورت صفت خداوند آمده ۱۱۴ بار یعنی ۱۹ X ۶ بار آمده است (کلمه رحیم ۱۲۸: ۹ سوره توبه صفت پیغمبر اسلام ص می‌باشد).

سوره علق که ۵ آیه اول آن اولین آیاتی است که به پیغمبر(ص) نازل

معجزه ریاضی قرآن

۶۲۸

شده ۱۹ سوره مانده به آخر قرآن یعنی سوره ۹۶ قرآن است و ۵ آیه اول آن که اولین آیاتی است که بر پیغمبر(ص) نازل شده ۱۹ کلمه دارد و ۷۶ حرف است یعنی $۱۹ \times ۴ = ۷۶$.

سوره علق ۱۹ آیه و ۲۸۵ حرف یعنی ۱۹×۱۵ حرف دارد. سوره ناس آخرین سوره قرآن (سوره ۱۱۴) است و ۶ آیه دارد یعنی $۱۹ \times ۶ = ۱۱۴$.

سوره نصر سوره ۱۱۰ قرآن که بقولای آخرین سوره‌ای است که بر پیغمبر(ص) نازل شده ۱۹ کلمه دارد و آیه اول آن ۱۹ حرف دارد. ۹ آیه اول سوره قلم سوره ۶۸ قرآن که دومین آیاتی است که به پیغمبر(ص) نازل شده، ۳۸ کلمه دارد که مساوی ۱۹×۲ میباشد. ۱۰ آیه اول سوره مزمل سوره ۷۳ قرآن سومین آیاتی است که بر پیغمبر(ص) نازل شده که ۵۷ کلمه دارد یعنی $۱۹ \times ۳ = ۵۷$. حرف "ق" در سوره ق (سوره ۵۰) و در سوره شوری (سوره ۴۲) که در حروف مقطعه اول این دو سوره ذکر شده ۵۷ عدد است یعنی ۱۹×۳ .
rouzaneha.org

در تمام حروف مقطعه قرآن این روابط ریاضی وجود دارد که حدود ۲۰۰ رابطه است.

حرف "ن" در سوره قلم (سوره ۶۸) ۱۳۳ بار آمده است یعنی $۱۹ \times ۷ = ۱۳۳$.

حروف "ی" و "س" در سوره یس (سوره ۳۶) ۲۸۵ بار آمده است یعنی $۱۹ \times ۱۵ = ۲۸۵$.

معجزه ریاضی قرآن

۶۲۹

حرف "ص" در سوره اعراف (سوره ۷) ۹۷ بار و در سوره مریم (سوره ۱۹) ۲۶ بار و در سوره "ص" (سوره ۳۸) ۲۹ بار آمده که جمع آن در سه سوره ($152 = 97 + 26 + 29$) می‌باشد یعنی

rouzaneha.org

$152 = 19 \times 8$

در قرآن هفت سوره پایپی (سوره‌ها ۴۰ تا ۴۶) وجود دارد که با حم (ح و م) شروع می‌شود. این سوره‌ها با هم روابط ریاضی عجیبی دارند که نامی جز معجزه بر آنها نمیتوان گذاشت.

اگر تعداد 'ح' و 'م' این هفت سوره را جمع کنید عدد ۲۱۴۷ میشود که مساوی است با 19×113 . و اگر 'ح'های این هفت سوره را جدا و 'م'های آنها را جدا جمع کنید و بعد رقم‌های بدست آمده را با هم جمع کنید درست همان عدد ۱۱۳ بدست می‌آید. منظور از رقمها عدد نیست مثلاً رقمهای عدد ۳۸۰، (۳) و (۸) و (۰) و رقمهای عدد ۶۴، (۶) و (۴) میباشد.

در این هفت سوره تعداد 'ح' و 'م' به ترتیب ۶۴ و ۳۸۰ در سوره مؤمن یا غافر (سوره ۴۰) و ۴۸ و ۲۷۶ در سوره فصلت (سوره ۴۱)، و ۵۳ و ۳۰۰ در سوره شوری (سوره ۴۲) و ۴۴ و ۲۲۴ در سوره زخرف (سوره ۴۳) و ۱۶ و ۱۵۰ در سوره دخان (سوره ۴۴) و ۳۱ و ۲۰۰ در سوره جائیه (سوره ۴۵) و ۳۶ و ۲۲۵ در سوره احقاف (سوره ۴۶) میباشد.

$$64 + 380 + 48 + 276 + 53 + 300 + 44 + 224 + 16 + 150 + 31 + 200 + 36 + 225 = 2147 = 19 \times 113$$

معجزه ریاضی قرآن

۶۳۰

حالا اگر رقمهای این اعداد را با هم جمع کنیم:

$$6+4+3+8+0+4+8+2+7+6+5+3+3+0+0+4+4+3+2+4+1+6$$

$$+1+5+0+3+1+2+0+0+3+6+2+2+5 = 113$$

می بینیم حاصل جمع این رقمها درست ۱۱۳ یعنی مساوی خارج قسمت ۲۱۴۷ به ۱۹ است.

rouzaneha.org

حالا اگر همین کار را با سه سوره اول (سوره ۴۰ و ۴۱ و ۴۲) بکنیم باز می بینیم حاصل جمع 'ح' و 'م'های این سورهها را اگر به ۱۹ تقسیم کنیم مساوی حاصل جمع رقمهای 'ح' و 'م' این سه سوره میشود.

$$66 + 380 + 48 + 276 + 53 + 300 = 1121 = 19 \times 59$$

$$6+4+3+8+0+4+8+2+7+6+5+3+3+0+0 = 59$$

حال اگر ۴ سوره بعد یعنی سوره های ۴۳ و ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ را مورد امتحان قرار دهیم باز همین رابطه بدست می آید.

$$44+324+16+150+31+200+36+225 = 1026 = 19 \times 54$$

$$4+4+3+2+4+1+6+1+5+0+3+1+2+0+0+3+6+2+2+5 = 54$$

حال اگر 'ح' و 'م' سه سوره ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ را با هم جمع کنیم ۱۰۴۵ میشود که اگر آنرا تقسیم به ۱۹ کنیم عدد ۵۵ بدست می آید که با حاصل جمع رقمهای 'ح' و 'م' مساوی است.

$$48 + 276 + 53 + 300 + 44 + 324 = 1045 = 19 \times 55$$

$$4+8+2+7+6+5+3+3+0+0+4+4+3+2+4 = 55$$

معجزه ریاضی قرآن

۶۳۱

حال اگر 'ح' و 'م' چهار سوره ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ و ۴۱ را با هم جمع کنیم عدد ۱۱۰۲ بدست می‌آید که خارج قسمت آن به ۱۹ عدد ۵۸ بدست می‌آید که با حاصل جمع رقمهای 'ح' و 'م' مساوی است.

rouzaneha.org

$$۱۶+۱۵۰+۳۱+۲۰۰+۳۶+۲۲۵+۶۶+۳۸۰ = ۱۱۰۲ = ۱۹ \times ۵۸$$

$$۱+۶+۱+۵+۰+۳+۱+۲+۰+۰+۳+۶+۲+۲+۵+۶+۴+۳+۸+۰ = ۵۸$$

حالا شما سعی کنید با کامپیوتر ۱۴ رقم دیگر پیدا کنید که چنین خاصیتی داشته باشند. حالا فکر کنید که اگر بخواهید هفت مقاله بنویسید که 'ح' ها و 'م' های آن چنین خاصیتی داشته باشند، چه زمانی باید صرف کرد. حالا فکر کنید اگر کسی بخواهد بطور عادی هفت سخنرانی بکند که چنین روابطی در آن وجود داشته باشد، امکان دارد یا نه. با توجه به اینکه خداوند در آیه ۴۸: ۲۹ سوره عنکبوت به پیغمبر(ص) میفرماید: «**تَوَقَّلْ كِتَابِي نَخْوَانِدَه بُوْدِي وَ بَا دَسْت چيزی نوشته بودی چون در آن حال کسانی که در سده باطل ساختن رسالت تو هستند شک میگردند**».

یعنی پیغمبر سواد خواندن و نوشتن نداشته شما سعی کنید با کامپیوتر ۱۴ رقم دیگر پیدا کنید که چنین حالتی داشته باشد تا بدانید قرآن نمیتوانسته کار پیغمبر بیسواد ۱۴ قرن پیش باشد. بلکه تمام مردم آن زمان هم نمیتوانسته‌اند چنین کاری بکنند و بیایند واقعاً سعی کنید چهارکلمه مثل بسم الله الرحمن الرحيم

بسازید که ۱۹ رابطه (یا حتی ۳ رابطه) ریاضی در آن باشد. البته توجه داشته باشید در آن زمان چرتکه هم وجود نداشته، چه رسد به ماشین حساب و کامپیوتر. rouzaneha.org

به کتاب Qur'an Visual Presentation of the Miracle نوشته دکتر رشاد خلیفه و کتاب Beyond Probability نوشته آقای عبدالله اریک مراجعه کنید.